

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیشگفتار و بازتاب از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۰۲ جولای ۲۰۱۷

ایده های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرند؟*

(می ۱۹۶۳)

همکار مبارزما جناب "موسوی" صاحب در مضمون معنون به "زندگی، قصه ها و درسهایش - ۴" که به تاریخ ۲۹ جون در پورتال به نشر رسید، تذکر داده بودند: "قبل از آن که بر آنها برچسب "مرتجع" را حواله داریم، با حوصله مندی که در خور یک انقلابی است، پای صحبت آنها نشسته، انگیزه ها و دلایل مبارزاتی خویش را با آنها در میان گذاشته، فرصت آن را فراهم سازیم تا آن انگیزه ها و عوامل از جانب آنها نیز پذیرفته شود، فقط در آن صورت است که اصل تبدیل ایده به نیروی مادی یعنی آنچه مارکس گفته تحقق خواهد یافت". این جمله ایشان یعنی "اصل تبدیل ایده به نیروی مادی"، باعث شد تا جهت درک و فهم بیشتر آن در میان تعدادی از کتابهایی که در دسترس قرار دارند، شروع به جست و جو نمایم، خوشبختانه آشنائی نسبی ام به موضوع، من را به جانب پنج اثر فلسفی "مائو تسه دون" هدایت کرد، در نتیجه آن را گرفته بعد از مطالعه مطلبی را که مورد نظر بود یعنی "ایده های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرد" پیدا نمودم. چون موضوع برایم آموزنده بود لذا خواستم تا با بازتاب و نشر آن در پورتال شما خوانندگان عزیز را هم در جریان قرار بدهم.

ایده های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرد؟ آیا از آسمان نازل می شوند؟ نه. آیا آنها خصیصه ذاتی مغز انسان هستند؟ باز هم نه.

ایده های صحیح انسان از پراتیک اجتماعی سرچشمه می گیرند، یعنی از این سه نوع پراتیک اجتماعی: مبارزه تولیدی، مبارزه طبقاتی و آزمونهای علمی. موجودیت اجتماعی انسان تعیین کننده فکر اوست. ایده های صحیح که مختص طبقه پیشرو اند، به محض این که توده ها آنها را فرا گیرند، به نیروی مادی جهت تغییر دادن جامعه و جهان بدل خواهند گشت. انسانها طی پراتیک اجتماعی خود در مبارزات گوناگون شرکت می جویند و تجربیات فراوانی - از کامیابی ها و شکستها - به دست می آورند. پدیده های بیشمار دنیای خارجی عینی به وسیله اعضای حواس پنجگانه - چشم، گوش، بینی، زبان و بدن - در مغز انسان انعکاس می یابند که در آغاز فقط شناخت حسی به دست می دهند. با تجمع داده های کافی ادراک حسی، جهشی پدید می گردد و شناخت حسی به شناخت تعقلی یعنی به ایده بدل می شود. این یک پروسه شناخت است. این نخستین مرحله مجموعه پروسه شناخت، یعنی مرحله گذار از ماده عینی به شعور ذهنی، از هستی به ایده است. در این مرحله این که آیا شعور یا ایده (منجمله ثوری ها، سیاست ها، نقشه ها و تدابیر) قوانین جهان خارجی

عینی را به درستی بازتاب می‌کند یا نه، هنوز ثابت نمی‌شود و صحت شعور یا ایده نیز هنوز نمی‌تواند معین شود؛ سپس دومین مرحله پروسه شناخت می‌آید، یعنی مرحله بازگشت از شعور به ماده، از ایده به هستی. در اینجا انسانها شناخت به دست آمده از مرحله اول را در پراتیک اجتماعی به کار می‌بندند تا ببینند که آیا این تئوری‌ها، سیاست‌ها، نقشه‌ها و تدابیر به کامیابیهای پیش‌بینی شده می‌انجامد یا نه. به طور کلی، هر آنچه که به کامیابی منجر شود، درست است و هر آنچه که به شکست بینجامد، اشتباه است، این امر به خصوص در مورد مبارزه بشر با طبیعت صادق است. در مبارزه اجتماعی، گاهی اتفاق می‌افتد که نیروهائی که نماینده طبقه پیشرو اند، باشکست روبه‌رو می‌شوند، ولی این به علت آن نیست که گویا ایده‌های آنان نادرست بوده است، بلکه به این جهت است که در تناسب قوایی که با یک دیگر سرگرم مبارزه اند، نیروهای پیشرو هنوز به قدرت نیروهای ارتجاعی نرسیده اند و از اینروست که موقتاً با شکست مواجه می‌شوند؛ ولی سرانجام روزی فرا می‌رسد که نیروهای پیشرو پیروز می‌گردند.

شناخت انسان در اثر آزمایش در پراتیک، جهش دیگری می‌یابد. این جهش به مراتب از جهش اول پراهمیت‌تر است. زیرا تنها این جهش دوم است که می‌تواند درستی یا نادرستی جهش اول شناخت را ثابت نماید، یعنی ثابت کند که آیا ایده‌ها، تئوری‌ها، سیاست‌ها، نقشه‌ها و تدابیری که در پروسه انعکاس جهان خارجی عینی به دست آمده اند، صحیح اند یا نه؛ راه دیگری برای آزمودن حقیقت موجود نیست.

در مورد شناخت پرولتاریا از جهان، وی هدف دیگری به جز تغییر دادن آن ندارد. یک شناخت صحیح اغلب با طی کردن یک پروسه تکرار مکرر حرکت از ماده به شعور و سپس از شعور به ماده، یعنی حرکت از پراتیک به شناخت مارکسیستی، این است تئوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی. در میان رفقای ما بسیاری هستند که هنوز این اصل تئوری شناخت را درک نمی‌کنند. اگر از آنان سؤال شود که ایده‌ها، نظرات، سیاستها و متدها، نقشه‌ها و استنتاجات و نطقهای بی‌پایان و مقالات عریض و طویل آنها از کجا سرچشمه می‌گیرند، آنها در شگفت شده و پاسخی بدان نمی‌یابند. برای آنها امکان تبدیل ماده به شعور و شعور به ماده نیز غیر قابل درک است، هر چند چنین جهشی در زندگی روزمره کراراً به چشم می‌خورد. از اینرو ما باید رفقای ما را با تئوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی آشنا سازیم تا بتوانند درست فکر بکنند، قادر به تحقیق و مطالعه گردند، تجربیات خود را جمع‌بندی نمایند، بر دشواریها فایز آیند، کمتر مرتکب اشتباه شوند و کار خود را به نحو احسن انجام دهند، همه نیروی خود را در مبارزه به کار برند، کشور سوسیالیستی بزرگ و نیرومندی بنا کنند و برای انجام وظیفه بزرگ و حتمی انترنسیونالیستی ما به توده‌های وسیع مردم ستمدیده و استثمارزده سراسر جهان کمک نمایند.

*- اثر حاضر بخشی از "قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره بعضی از مسایل کار روستائی در حال حاضر" (لایحه) می‌باشد. این لایحه تحت نظارت رفیق مائوتسه دون تدوین شده و این قسمت توسط شخص رفیق مائوتسه دون نگاشته شده است.

یادداشت:

نوشته بالا از طرف پورتال ویراستاری شده است.